



گفت و گو با پنج جوان حافظ کل قرآن کریم

هر چه دارم عزیزانم قرآن دارم

✽

خدمت عزیزان قرآن پژوه و حافظ قرآن خیر مقدم می‌گوییم، اولین سؤال این‌که چگونه حفظ قرآن را شروع کردید؟! علاقه داشتید یا برحسب انگیزه‌های اجتماعی و ... بود؟

■ سیدمحمدحسین حسینی

سال ۷۴ وارد حفظ قرآن شدم؛ خدمت حاج آقای طباطبایی بودم ده جزء را پیش حاج آقا حفظ کردم، و بعد هم یک سال به صورت تخصصی در جامعه القرآن الکریم بودم. فکر می‌کنم که بیش‌تر علاقه پدر و مادر به تلاوت قرآن و فضای معنوی که در خانواده بود، باعث شد که در من و دو برادرم علاقه ایجاد شود و حافظ قرآن شدیم.

■ محسن ابراهیمی

اطلاعیه جامعه القرآن الکریم را در روزنامه دیدم. البته قبل از آن، تلاوت می‌کردم ولی خیلی مایل به حفظ نبودم، فکر نمی‌کردم که بتوانم ...

■ محمد هاشم‌پور

سال دوم راهنمایی در مسابقه حفظ قرآن تا آیه ۸۰ سوره بقره شرکت کردم. البته به خاطر جایزه‌اش که دوربین عکاسی بود! بعداً در دوره دبیرستان به پیشنهاد یکی از رفقا به جامعه القرآن رفتم.

■ محمد ابراهیم پیرعباسی

با شروع فعالیت جامعه القرآن، شوری در جامعه راه افتاد. والدین من خیلی دوست داشتند که من حافظ شوم ولی من آن موقع بچه بودم و سخت بود. همسایه‌ای داشتیم که حافظ بود و به همراه چند تا از بچه‌های همسایه پیش ایشان می‌رفتیم روزی ده آیه از جزء سی را حفظ می‌کردیم. کلاس دوم راهنمایی بودم که اطلاعیه جامعه القرآن را دیدم - سال ۷۸ - قبول شدم. ابتدا برایم حفظ کل سخت بود. بعضی‌ها با انگیزه و شور و شوق می‌آمدند و زود حفظ می‌شدند ولی من هنوز بعضی جاهایش را حفظ نیستم!

■ محمد مادرشاهی

در بعضی جلسات مذهبی شرکت می‌کردم و هفته‌ای یک خط حفظ می‌کردم. اول آیه‌های نخستین سوره بقره را حفظ کردم، بعد در مدرسه، جزء سی را حفظ کردم. بعد هم در جامعه القرآن در طرح یک ساله، حفظ کامل آن شروع کردم.

✽

نکته‌ای به نظرم رسید، این‌که بچه‌ها مجبورند درشان را به خاطر حفظ قرآن به صورت مقطعی تعطیل کنند، این تبعاتی نداشته؟! یعنی بابت تعطیل درس، ضرر نکردید؟!

■ محمد ابراهیم پیرعباسی

یک‌سالی که بچه‌ها قرآن را حفظ می‌کنند بی‌کار نیستند؛ مشغول ترجمه و کلاس‌های جنبی هستند. مثل مدرسه است، فقط این‌جا سیستمش عوض شده است.

■ محمد هاشم‌پور

بعضی‌ها خیال می‌کنند جوری است که نمی‌شود درس را ادامه داد؛ در مدرسه خودمان زیاد بودند کسانی که راهنمایی را خوانده و قرآن را هم حفظ کرده بودند.

■ محمد مادرشاهی

من فکر می‌کنم که در مدارس، وقت بچه‌ها را دارند تلف می‌کنند، من خودم وقتی حفظ قرآن را شروع کردم، فقط اول راهنمایی را خوانده بودم. بقیه‌اش را خودم خواندم. دوم راهنمایی را در یک هفته خواندم، معدل من نوزده و بیست صدم، تازه درس‌طلبگی را هم کنارش می‌خواندم، درس‌های دبیرستان، را هم در کنار درس طلبگی خوانده‌ام، به افراد خانواده‌ام هم درس می‌دهم.



متأسفانه

این در جامعه ما

جا افتاده که قرآن برای مرده

است، یا برای ختم و سر جنازه!

کسی که حفظ قرآن می‌کند،

باعث می‌شود که قرآن وارد

زندگی او شود.

✽

حالا چون بحث تأثیر قرآن شد، بفرمایید حفظ قرآن چه اثرهایی دارد؟

■ سیدمحمدحسین حسینی

من فکر می‌کنم با حفظ قرآن ما حداقل دو چیز به دست می‌آوریم؛ یکی اراده و دیگری نظم در برنامه، شخص مجبور است روزی یکی دو ساعت در وقت معینی وقت بگذارد تا کار خودش را انجام دهد. مثل کسی که متعهد است برود سر کار. پس وقتی اراده و نظم داشت نتایجی به دست می‌آورد؛ اولین تأثیر در زندگی او «تعمق» است، تعمق نسبت به همه چیز، یعنی بر برنامه‌هایش اشراف دارد.

■ محمد ابراهیم پیرعباسی

فلسفه این‌که در آداب الطلاب آمده است قرآن را حفظ کنید بعد وارد تحصیل علم شوید، همین است که ذهن و حافظه انسان، باز می‌شود.

■ محمد مادرشاهی

نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است که قرآن، نورانیت می‌آورد حالا متأسفانه به دلایلی، ممکن است جامعه ما قبول نکند، اما قطعاً نورانیت دارد، هر کسی در حد و توان خودش کار کند ذهنش گسترش پیدا می‌کند.

■ محمد ابراهیم پیرعباسی

مدرسه ما همه حافظ قرآن هستند، این جو هم که علمی باشد و همه درس بخوانند خیلی کم است؛ خود من اصلاً درس نمی‌خوانم، اما این جور نیست که همه درشان ضعیف باشد. امسال معدل درسی بچه‌ها از همه مدارس بیش‌تر شده بود، پارسال دوم شده بود.

■ محمد هاشم‌پور

خوب، من وقتی قرآن را حفظ می‌کردم، حس می‌کردم حافظه‌ام را خیلی تقویت می‌کند. حفظ قرآن سرعت کارم را بالا می‌برد.

✽

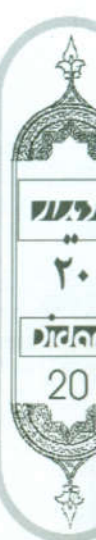
از تأثیرات اخلاقی و معنوی قرآن هم بگویید.

■ محمد ابراهیم پیرعباسی

همین که آدم با قرآن مانوس شود در زندگی‌اش هم آیات قرآن برایش تداعی می‌شود.

■ سیدمحمدحسین حسینی

مهم‌ترین تأثیری که حفظ قرآن در انسان می‌گذارد، این است که باعث می‌شود که انسان، قرآن را محور برنامه‌هایش قرار می‌دهد و معنویت، محور رفتارهای انسان، می‌شود.





■ ■ ■ محمد هاشم پور

تعب انسان نسبت به آیات قرآن و کلام خدا بیش تر می شود.

■ سید محمد حسین حسینی

این همان از باب فذکر فان الذکر است، چون در ذهن انسان، تداعی می شود. هی می گوید آقا قرآن این را گفته است، چرا عمل نمی کنید؟! تو که داری قرآن حفظ می کنی! حافظ باید عامل قرآن باشد!

■ ■ ■ محمد هاشم پور

کسی که حافظ قرآن است، با داستان های قرآن آشنا می شود جریان حضرت نوح یا موسی که در قرآن است همه برایش مصداق می شود. این آیات باعث می شود انسان روشن گری اش بیش تر شود.

■ ■ ■ ■ ■ محمد مادرشاهی

آشنا شدن جوانان به مسائل اخلاقی، امروزه نکته ای است که خیلی دغدغه ایجاد کرده است. کسی که حفظ قرآن می کند انگار در روز چند ساعت پای درس اخلاق نشسته است. معلم اخلاقش هم خود خدا است. چون کتاب، کتاب هدایت است آیه به آیه اش بحث اخلاقی است. من فکر می کنم خیلی تأثیر دارد، تأثیر غیرمستقیم. من فکر می کنم قرآن از این جهت چیز زیبایی است. چند ساعت ما را به بهانه حفظ کردن، پای درس اخلاق می نشاند.

■ سید محمد حسین حسینی

یکی از تأثیرات قرآن، بعد آرامش بخشی و احساسی آن است. ریتم موسیقی قرآن، کند است، مثل موسیقی سنتی. وقتی این موسیقی در قالب الفاظ فصیح و متوازن قرآن اجرا می شود باعث می شود که روح انسان به احساس و آرامش خاصی برسد.

■ ■ ■ ■ ■ محمد مادرشاهی

نکته ای که می خواستم این جا بگویم بحث احساس است. نوع برخورد بعضی ها با قرآن به گونه ای است که باعث می شود خیلی از جوانان و نوجوانان نه تنها جذب نشوند بلکه حالت ناراحتی و غم پیدا کنند. متأسفانه این در جامعه ما جا افتاده که قرآن برای مرده است، یا برای ختم و سر جنازه! کسی که حفظ قرآن می کند، باعث می شود که قرآن وارد زندگی او شود. من یادم است این آیه «ربنا لا تزغ قلوبنا...» را در شمال، کنار دریا حفظ می کردم. هنوز آن لذت و زیبایی

را که در صدای امواج بود، در وجودم حس می کنم دقیقاً خلاف کسی که قرآن را برای جاهای بدبختی و سیاه و مرگ و این جور چیزها می داند. کسی که قرآن را حفظ کرده، قرآن می شود تمام زندگی اش و چون هنگام حفظ قرآن با حالت خوشی بوده، ناخودآگاه تأثیرات خودش را بر او می گذارد. کسی که قرآن را در شادی های خودش تقسیم کرده، وقتی که قرآن گوش می دهد حرف های قرآن به دل او می نشیند.

■ ■ ■

کسی

که حفظ قرآن می کند

برای کسی که قرآن خوان نیست، انگار در روز چند ساعت پای چه راهکاری دارید که او را با قرآن، درس اخلاق نشسته است. معلم مانوس کنید؟! اخلاقش هم خود خدا است. چون کتاب، کتاب هدایت است آیه به آیه اش بحث اخلاقی است.

■ سید محمد حسین حسینی

یک عده آدم ها هستند که فقط آن ها را با روش های احساسی می شود قرآن خوان کرد؛ اما یک عده هم هستند که بحث های نظری دارند و قرآن را قبول ندارند و می گویند قرآن قدیمی است (!) هر چه قدر برایشان توضیح بدهید، چون موانع فکری دارند بر آن ها تأثیر نمی گذارد.

■ ■ ■

فرض بر این که قرآن را هم قبول دارد، مسلمان است و شبهات هم برایش تأثیر ندارد، اما از قرآن برای نجات خودش در زندگی و برای رفع مشکلاتش نمی تواند استفاده عملی کند. ما می خواهیم بگوئیم به قرآن پناه ببر؛ اگر بخواهد از قرآن استفاده کند چه کار کند؟

قرآن باید محور برنامه های انسان قرار گیرد. ما در مفاهیم قرآن که دقت می کنیم می بینیم معانی و مفاهیم آیات آن قدر شیرین است، که اگر آدم کمی بنشیند و فکر کند می بیند که خیلی چیزهای تازه ای به دست آورده است. فکر می کنم روزی ده دقیقه یا پنج دقیقه ترجمه یک آیه یا نصف سطر را بخواند و روی آن فکر کند، این که قرآن گفته صدایت را بلند نکن، یا گفته «وقولوا للناس حسنی» همین کلمه یعنی چه؟ برای چه قرآن تأکید کرده؟ چندین بار تأکید شده: «وبالوالدین احسانا» و ... همه راه کارهای عملی است.

■ ■ ■ ■ ■ محمد مادرشاهی

اگر یک سری از مباحث قرآن را که جنبه تربیتی و اخلاقی دارد استخراج کنیم و با ترجمه بسیار روان به بچه ها بدهیم و زمزمه و حفظ کنند، کم کم حلاوت آن بر دل آن ها می نشیند؛ طوری می شود که سراغ خود

قرآن می روند. مثلاً من به بعضی نوجوان ها گفتم اوقات بی کاری بیایید روزی یک صفحه قرآن بخوانید، به جای این که ماه مبارک تندتند بخوانید و بگوئید روزی یک جزء قرآن خواندم، برنامه ریزی کنید در سال، یک دور قرآن را ختم کنید. گفتم اگر شما روزی چهار صفحه قرآن بخوانید غیر از ماه رمضان می توانید سالی دوبار قرآن را ختم کنید؛ این یک راه، یک راهش این است که بگوئیم به ترجمه هایش نگاه کنید. کسی که دنبال جاذبه های ادبی اش است دنبال آن برود، همان موارد خاص را حفظ کند. یعنی به نوعی می شود با زمینه های مختلف، قرآن را به جوان ها و نوجوان ها به گونه های مختلف معرفی کنیم.

■ ■ ■ محمد هاشم پور

همین شنیدن قرآن، ولو دو سه دقیقه اثرگذار است؛ مثلاً در مدرسه نوار ترتیلی باشد، بسیار روح ها را جلا می دهد.

■ سید محمد حسین حسینی

یک تأثیرش را هم من بگویم: یکی از مشکلات ما در شناخت قرآن، این است که تناسبی در اجتماع، میان رفتار و گفتار بعضی مردم نیست. قرآن می خوانیم اما عمل مان جور دیگری است فقط ما تئوری این ها را می خوانیم. قرآن را هم می خوانیم، در دبیرستان دو واحد آن پاس می شود اما در اجتماع تأثیرش را نمی بینیم.

■ ■ ■ ■ ■ محمد مادرشاهی

متأسفانه در مدارس ما درس قرآن، یک درس جذاب نیست، چون بحث نمره و امتحان در کار است. مشکل این است که بعضی از معلمان هم مفید و جذاب نیستند. با وجود این ذهنیات، اگر بخواهیم وارد این زمینه شویم که قرآن هدایت گر است و باید با قرآن محشور شوی، حداقل راه این است که ما یک ترجمه شسته و رفته از قرآن به او ارائه دهیم، تا بفهمد خدا چه گفته است. بعد کم کم به این باور برسد که من که دارم بهره می برم، بهره بیش تری ببرم و خود آیه را بخوانم.

• ادامه دارد...